

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسنده : موسوی

۱۴ اکتوبر ۲۰۱۳

حج رسمی کهن در دیانتی جدید ۱

به جای پیشگفتار:

این مقاله همان طوری از مطالعه متن آن بر می آید بیش از ۶ سال قبل، یعنی زمانی که بیشتر نوشته هایم در سایت «افغان - جرمن» و سایر نشرات امکان نشر می یافت، بنا بر خواهش آقای «ولی احمد نوری» یک تن از گردانندگان آن سایت که خواستار پرتو افگنی بیشتر بر تمام اساسات و مبانی اعتقادی و عملی اسلام بودند، به مثابه بخش اول از یک سری مقالات در آن زمینه نگارش یافته بود که می بایست با بحث روی سایر بنا های اعتقادی اسلام کامل می گردید.

مرور زمان و پیدایش اختلافات اساسی با «افغان جرمن» که به ایجاد پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» منجر شد، در کنار ده ها نتیجه مثبتی که این جدائی بار آورد، شاید یگانه نتیجه منفی آن را بتوان در مصروف شدن بیش از حد این قلم در امور تکنیکی و ویراستاری مطالب پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» دانست که در نتیجه آن هیچ گاهی آن فرصت را نیافتم تا مطالب مورد نظر را مطابق با خواستم تقدیم خوانندگان گرانقدر پورتال بنمایم. یکی از آن موارد تکمیل همین سلسله کنکاش پایه های گذشته ۵ بنای مسلمانی در رسوم کهن عرب می باشد. رسومی که با تأسف در عین حالی که خود به صورت کامل از طرف دیانت جدید با آرایش و بیرایش های لازم زمانی اخذ شده، مگر کلیت دوره، زیر نام «دوره جاهلیت» چنان تخریب و انکار شده است که کمتر محقق می تواند رد افکار و عقاید کهن جامعه عرب قبل از اسلام را در دیانت اسلام پیگیری نماید.

از مدتها بدین سو دوستانی که با این مقاله آشنا بودند، این قلم را تحت فشار قرار می دادند که چرا به تجدید چاپ آن اقدام نمی ورزم. در تمام مدت پاسخ من برای آنها یک حرف بود: مقاله را به صورت «وورد» ندارم و وقت تایپ دوباره آن را نیز ندارم. تا این که در این اواخر استاد سخن آقای «معروفی» «وورد» مطلب را فرستاده آن بهانه را نیز از نزدم گرفت. بهانه بدان منظور که من اصولاً موافق به زندگی در گذشته و باز نشر چندین باره یک نوشته نمی باشم، مگر این که چنان فضائی به وجود آید که امکان دسترسی به نشرات اولی وجود نداشته باشد.

با در نظر داشت چنین خصوصیتی اینک، همان نوشته را با ویراستاری جدید خدمت شما خوانندگان عزیز تقدیم می دارم امید خوانندگان عزیز پورتال، با برخورد انتقادی نسبت به آن، این قلم را در تکمیل آن کمک رسانیده بر امتانم بیفزایند.

موسوی ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۳

امیدوارم بعد از گذشتن سه دهه، سه دهه خونباری که از جانبی مزدوران روس اعم از خلق و پرچم و ارتش جنایت کارشوروی آنروز، کشور ما را به مسلخ و مذبح استبداد استعماری مبدل نمودند و از جانب دیگر راهیان اسلام سیاسی سوار بر مرکب های جهالت قرون وسطائی، استبداد شرقی و وابستگی استعماری اعم از جهادی و طالبی، دمار از روزگار مردم کشیده جوئی از خون وتلی از خاک و خاکستراز خود در قفاء گذاشته اند و اکنون نیز داعیان دروغین آزادی و کرامت انسانی به سردمداری امپریالیزم جنایت گستر امریکا گهواره را گور و کاشانه رادوزخ استعمار ساخته اند؛ از جمع صد ها شاگرد و محصلی، که من برای آنها تاریخ اسلام تدریس می نمودم، حد اقل تنی چند زنده مانده و به انترنیت دسترسی داشته باشند، تا بعد از سالها پاسخ سوال حتمی شان را که « علل و نقش تغییر قبله از بیت المقدس به طرف مکه »؛ بود، در صفحه انترنیت مشاهده نمایند. اما قبل از پرداختن به آن پرسش لازم است تا اندکی به یک نکته دیگر نیز توجه خویش را مبذول داریم:

یکی از ترفندهای بی مانندی، که اکثر واقعه نگاران و تاریخ دانان صدر اسلام به آن دست یازیده و در پرتو آن کار خویش را آغاز نموده اند، اصطلاح « دوره جاهلیت » و « دوره اسلامی » در تقسیم بندی تاریخ مردم، در عربستان آن روز می باشد. با حرکت از چنین تقسیم بندی، اکثر خوانندگان طی این چهارده قرن فکر نموده اند، که در شبه جزیره عربستان قبل از پیدایش اسلام، توحش حاکمیت داشته، هیچ نوع نشان و نمودی از فرهنگ در عرصه های مادی و معنوی وجود نداشته و هر آنچه اسلام حکم به انجام و یا نهی آن نموده است، دست آوردی بوده خاص اسلام و حکمی بوده از احکام الهی. در حالی که واقعیت امر چنین نبوده، در دیانت اسلام ده ها رسم و رواجی که قبل از آن وجود داشته و سالیان سال از طرف مردم به اجراء گذاشته می شد؛ چنان با مهارت داخل شده و به اصطلاح جا افتاده است، که امروز کمتر کسی می تواند ریشه اصلی آن احکام را مشخص نموده تا عصر قبل از اسلام آن را دنبال نماید. یکی از آن احکام، پنجمین بنای مسلمانی یعنی پدیده حج و مناسک مربوط به آن است، که فقط با تغییرات اندکی بر مبنای علل و انگیزه های معینی، که موضوع بحث این نوشتار است، تا به امروز سالانه از طرف میلیون ها مسلمان از اقاصا نقاط جهان؛ انجام می یابد.

در این مختصر به خاطر جلوگیری از هر نوع سوء تفاهمی و بستن دهان مغرضین احتمالی کوشش به عمل خواهد آمد تا به متون قدیم تاریخی و قرآن میدان بیشتری داده شود، باشد در پرتو آن، در زمینه بحث کنونی حداقل آگاهی را برای خوانندگان ارجمند پورتال "افغان جرمن آنالین" و سایر سایت هائی که به نشر آن همت می نمایند، ارائه نموده باشم:

هرچند در این رابطه، در اکثر متون قدیمی تاریخ مطالب همسانی وجود دارد مگر بر مبنای اجتناب از تطویل کلام، در اینجا به یکی دو نمونه برجسته اکتفاء نموده به بحث خویش ادامه می دهیم.

نخستین کتابی که در این زمینه می تواند به مثابه یک مأخذ معتبر مورد استناد قرار گیرد « تاریخ طبری » می باشد. این کتاب که به وسیله «محمد بن جریر طبری» در ۱۶ مجلد تألیف گردیده و وقایع مربوط به تاریخ را الی سال ۳۰۲ هجری بازگو می نماید، در قرن سوم هجری و دو سال اول قرن چهارم هجری تحریر یافته، یکی از معتبر

ترین و قدیمی ترین کتاب های تاریخ در نوع خود به شمار می رود. در جلد سوم از صفحه ۸۳۵ این کتاب به بعد الی صفحه ۸۳۷ در رابطه با اعمار خانه کعبه به وسیله ابراهیم و پسرش اسماعیل چنین می خوانیم:

« حکایت دو آهوی کعبه به روایت هشام بن محمد چنان بود که کعبه پس از طوفان نوح بنیان شد و خداوند به ابراهیم خلیل علیه السلام و پسرش اسماعیل فرمان داد تا آن را چنانکه از پیش بوده بسازند و در قرآن کریم آمده که :

واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت واسماعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم . (سوره بقره آیه ۱۲۷)

یعنی : « و چون ابراهیم پایه های این خانه را با (اسماعیل) بالا می برد (ومی گفتند) پروردگارا از ما بپذیر که توشنواودانائی . »

از روز گار نوح کس عهده دار امور خانه نبود که خانه به آسمان رفته بود ، پس از آن خدا عزوجل به ابراهیم فرمان داد که اسماعیل پسر خویش را به نزد خانه جای دهد که می خواست کسان را به پیمبر خود محمد صلی الله علیه وسلم گرامی دارد .

« ابراهیم خلیل و پسرش اسماعیل از پس روز گار نوح عهده دار کار کعبه شدند . مکه در آن وقت بیابان بود و جرمیان و عمالیق اطراف آن ساکن بودند و اسماعیل علیه السلام زنی از جرمیان گرفت و عمر بن حارث بن مضاض شعری به این مضمون گفت :

«داماد ما کسی شد که پدرش از همه مردم شریفتر بود. »

« و فرزندان وی از ما هستند و ما خویشان اوئیم . »

« از بنی ابراهیم ، اسماعیل امور خانه را عهده دار بود ، و پس از او نبت که مادرش از جرمیان بود ، به جای پدر بود . و چون نبت بمرد و فرزندان اسماعیل بسیار نبودند ، جرمیان بر کار کعبه تسلط یافتند و عمر بن حارث بن مضاض شعری به این مضمون گفت :

« واز پی نابت ما والیان خانه بودیم . »

« و به این خانه طواف می بردیم و نیکی نمایان بود . »

« نخستین کس از جرمیان که امور کعبه را به عهده گرفت مضاض بود ، پس از وی کار به دست پسرانش افتاد که یکی از پی دیگری به کار کعبه پرداختند . و چنان شد که جرمیان در مکه بد کاری کردند . و حرمت آن را نداشتند و مال کعبه را که هدیه می شد بخوردند و با کسانی که به مکه می آمدند ستم کردند و طغیانشان چنان شد که یکیشان اگر جائی برای زناکردن نداشت در کعبه زنا می کرد و چنانکه گفته اند اساف در دل کعبه با ناله زنا کرد و هر دو سنگ شدند . »

بحث مربوطه بعد از جابه جایی خانواده ها در حاکمیت و نگهداری از کعبه در صفحه بعد چنین ادامه می یابد :

« و کار کعبه به دست عمرو بن ربیع و به قول بنی قصی به دست حارث غبشانی افتاد که از قوم خزاعه بود ولی سه چیز به دست قبایل مضر بود :

یکی اجازه رفتن از عرفات که به دست غوث بن مرثد و او را صوفه نیز گفتند ،»

دوم : حرکت به سوی منی بود »

سوم : پس انداختن ماه حرام بود »

در همین رابطه با در نظر داشت کتاب « سیطره ۴۰۰ ساله اعراب بر افغانستان » اثر محقق سخت کوش کشور آقای «سلیمان راوش» که ایشان نیز در این باب نقل آزاد نموده اند، اینک نقل قولی از «روضه الصفا» تألیف «محمد بن خاوند شاه بلخی» رانیز زیب نوشتار خویش می نمائیم :

«بطون کتب و متون صحف مشحون است به این خبر که به مرور ایام اولاد و احفاد اسمعیل بسیار شده، کثرت دودمان نبوت به مرتبه ای انجامید که مکه شریفه دیگر گنجایش ایشان نداشت. لاجرم بعضی از آن جماعت به عزم توطن به اطراف دیار عرب از حرم طریق بیرون آمدن گرفتند.

و هرکس از آن قوم که راه سفر پیش می گرفت سنگی از احجار حرم مصحوب خویش گردانیده در محلی که رحل اقامت می انداخت آن سنگ را در جایی پاک نهاده به دستور زیارت بیت الله به گرد آن طواف می کرد تا منجر به آن شد که در نظر ایشان هر سنگ از سنگها که نیکو می نمود آن را برداشته و در مکانی مناسب نهاده به زیارت و طواف او می پرداختند.

آخر الامر صحف ابراهیم را بر طاق نسیان نهاده به اغوا و اضلال شیطان عبادت اوئان اختیار نموده، کیش بت پرستی را از جمله مستحبات شمرده و با وجود ارتکاب این فعل منکر، در فیصل بعضی قضایا به شریعت ابراهیم عمل می نمودند و به دستور معهود مناسک حج به جا آورده، تعظیم حرم خداوندی و تبجیل و تکریم خانه کعبه را بر خود از واجبات و لوازم دانستند.

«و زعم طایفه [ای] آن که سبب ظهور بت پرستی در میان نریه اسمعیل این است که اساف و نایله که مردی و زنی بودند از قبیله جرهم وقتی شهوت و بد نفسی چنان بر ایشان استیلا یافت که در نفس خانه کعبه با هم زنا کردند و حضرت قهار شدید الانتقام هر دو را مسخ نموده سنگ گردانید و مردم مکه آن دو چنه سنگی را از خانه کعبه بیرون آورده از برای عبرت خلائق اساف را بر سر کوه صفا و نایله را بر مرده نصب کردند و به تقادم دهر اولاد حضرت اسمعیل از دین ابراهیم اعراض نموده به پرستیدن آنها مشغول گشتند.

و اول کسی که ملت حنیف ابراهیم را تغییر داده مردم را به عبادت اساف و نایله مأمور گردانید عمرو بن لحي خزاعی بود...»

تاریخ روضةالصفاء - محمد بن خاوند شاه بن محمود «میرخواند» - به تصحیح و تحشیه: جمشید کیانفر - جلد اول -

چپ دوم ۱۳۸۵ - صفحات ۱۷۳ الی ۱۷۴

به همین سان در قرآن در سوره (فیل ۱۰۵) از اولین الی آخرین آیت آن سوره بر حسب تفاسیری که بر آن نوشته اند ، چنان بر می آید که «ابرهه» سردار سپاه «نجاشی» پادشاه حبشه، فقط به خاطر بردن سنگهای کعبه و اعمار مجدد آن در شهر خود به منظور جذب و جلب زایران در صدد ویران کردن کعبه بوده است چنانچه آقای «زین العابدین رهنما» مؤلف کتاب روان و خواندنی «پیامبر» همان واقعه را در صفحه ۹۵ کتاب خود چنین شرح می دهد:

«حناطه بازگفت: ابرهه مرا مأمور ساخته به شما بگویم، اردوی او با مردم و اموال آنها کاری ندارد. اردو به شهر ورود می کند تا این خانه را با خاک یکسان کند اگر مردم دست به سلاح نبرند در امان هستند اگر به یک نفر از قشون وی پرخاش کنند، همه بومیان را قتل عام می کنیم.»

سوره فیل

مگر ندانسته ای که پروردگارت با آن فیل سواران که برای ویران ساختن کعبه لشکرکشی نمودند چه کرد؟ «۱»

آیا ترغبتشان را در بیراهه قرار نداد و بی اثر نساخت؟ «۲»

و بر بالای سرشان فوج فوج پرندگانی فرستاد. «۳»

پرندگانی که بر آنان سنگ هائی از سبیل می افکندند. «۴»

بدین گونه، خداوند جانیشان را گرفت و آنان را همچون پوسته ای ساخت که مغزش خورده شده باشد.»

در همین رابطه طبری در صفحه ۸۱۴ کتاب خود مطلب دیگری را چنین تذکر می دهد:

«فهر به دوران خویش سالار مردم مکه بود و در جنگی که حسان بن عبد کلاب بن مثنوب ذوحرث حمیری با مکه در انداخت ، فهر سرمکیان بود و چنان که گفته اند حسان باحمیر و بسیار کس از قبایل یمن آمده بود و می خواست سنگهای کعبه را از مکه ببرد تا حج گزاران سوی یمن رو کنند و در نخله فرود آمده بود»

از همه گذشته تمام مؤرخین اعم از اسلامی و غیر آن ، معترف اند که کعبه مقارن ظهور اسلام بزرگترین محل نگهداری و تجمع بت ها بوده ، ۳۶۰ بت خرد و بزرگ به تعداد قبایل متعدد شبه جزیره در آن نگهداری می شد. ساکنان شبه جزیره از سرتاسر عربستان در زمان ماه های حرام به علاوه آن که به غرض تجارت و داد و ستد به بازار های مکه هجوم می آوردند ، به زیارت بت ها ، انجام قربانی و ادای سایر مراسم مربوطه نیز می پرداختند. با اندکی تأمل در نوشته های تذکار یافته در فوق ، می توان مطالب آتی را استنباط نمود:

۱ - کعبه بر مبنای روایات اساطیری که اکنون به قدر کافی در تاریخ برای خود جا باز نموده، به وسیله ابراهیم و به همکاری پسرش اسماعیل حداقل تجدید ساختمان یافته است.

۲ - از همان نخستین روز ایجاد، به مثابه یک عبادت گاه و مکان مقدس مورد تأیید همه قرار داشته است .

۳ - در صورتی که مبنای قضاوت ادعا های مؤرخین اسلامی قرار گیرد، علت از ایجاد و یا ساختمان مجدد کعبه به وسیله ابراهیم، اعمار یک مرکزیت برای گسترش دیانت توحیدی بوده است .

۴ - آن آرزوی ابراهیم مدت زمان طولانی تحقق نیافته، زیرا کعبه به بزرگترین بتخانه در عصر خویش مبدل شده بود.

۵ - برای قرون متوالی اعراب از سرتاسر شبه جزیره عربستان، به خاطر زیارت و اجرای مراسم مذهبی خاص خودشان ، در کعبه جمع می شدند.

۶ - آن مراسم اعم از طواف، قربانی حیوانات ، رفت و برگشت چندین باره بین صفا و مروه ، عرفات ، حرکت به سوی منی ، تراشیدن موی سر ، پوشیدن لباس مخصوص، زمان مشخص انجام مراسم، رمی جمره و . . . با تفاوت های اندکی از طرف اسلام پذیرفته شده که در مجموع به نام «مناسک حج» مسما گشته اند .

۷- آیا «سعی بین صفا و مروه» به علاوه آن که باقی ماندن همان نظم کهن است به نحوی تقدیر از یک مرد و زنی هم نمی تواند به شمار آید، که برای رسیدن به هم و لذتجویی از همدیگر حتا دیوار کعبه نیز نتوانست مانعی بین آنها ایجاد نماید؟

در نتیجه می توان به صراحت حکم نمود ، که انجام فریضه حج چیز تازه ای نبوده که به وسیله اسلام به وجود آمده باشد ، بلکه در نهایت امر، تمکین در برابر یکی از رسوم قبلی به گفته مؤرخین و دانشمندان اسلامی «دوران جاهلیت» است . تمکینی که سالانه میلیارد ها دالر به جیب اخلاف «اساف» ها و «نایله» ها ریخته، نمود بارزی از عقب ماندگی انسان در عصر امروز به شمار می رود .

بر مبنای حرکت از همین دیدگاه بود، که در آغاز ظهور اسلام و بعد از آن که محمد دعوت خود به دین جدید را بعد از سه سال کار تبلیغی مخفی، در جامعه ای از لحاظ عقیدتی تا حدودی دموکراتیک مکه به صورت علنی ابراز داشت؛ با آن که بر اساس آیات ۳۰ و ۳۱ سوره « الروم » که از جمله آیات نخستین به شمار می روند، روبه طرف « بیت المقدس» به مثابه محراق و مرکز توجه «آئین پاک ابراهیم» نمود ؛ به علاوه آن که از طرف پیروان اسلام یک امر طبیعی به نظر می رسید، از جانب اهل قریش و سایر اعراب نیز زیاد جدی گرفته نشد ، چه آنها با ۳۶۰ بت با صد ها خصوصیت به تکرر عقیده عادت داشته ، بحث و مناظره بین عقاید متعدد از مشغولیت های مورد علاقه آنها به شمار می رفت.

«پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییر پذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی دانند» ۳۰ «الروم»
«به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان میاشد» ۳۱ «الروم»
از آن زمان الی سال دوم هجرت، که تغییر قبله در آن اتفاق می افتد یعنی مدت ۱۵ سال اول، که قبله مسلمین به جانب «بیت المقدس» بود، در آیات متعددی پیروی از آئین پاک ابراهیم که منظور استقامت قبله بود، مورد تکریم قرار گرفته است چنانچه در آیات ذیل:

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آئین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم، و او در جهان دیگر، از صالحان است. (۱۳۰)

بقره

بگو خدا راست گفت پس از آئین ابراهیم که حق گرا بود و از مشرکان نبود پیروی کنید ۹۵
آل عمران

ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی بلکه حق گرائی فرمانبردار بود و از مشرکان نبود ۶۷
آل عمران

بگو آری پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است دینی پایدار آئین ابراهیم حق گرای و او از مشرکان نبود
۱۶۱

الانعام

سپس به تو وحی کردیم که از آئین ابراهیم حق گرای پیروی کن [چرا که] او از مشرکان نبود ۱۲۳
نحل

و فرمان نیافته بودند جز این که خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گرائیده اند دین [خود] را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است ۵

البینه

و [به من دستور داده شده است] که به دین حنیف روی آور و زنهان از مشرکان میباش ۱۰۵
یونس

در ماه شعبان سال دوم هجری، یعنی فقط ۱۷ ماه بعد از هجرت یک باره به وسیله آیاتی چند از سوره بقره، «کعبه با وجودی که تا آن زمان از بت ها تخلیه نشده و بت های ۳۶۰ گانه در آن «حکم» می راندند، از طرف محمد به مثابه قبله مسلمانان مشخص گردیده، «بیت المقدس» با وجود تمام اهمیت آن به درجه دوم تنزل می نماید. چنانچه در آیات متعددی از سوره «بقره» می خوانیم:

به زودی سبک مغزان این مردم خواهند گفت: چه چیز آنان را از قبله شان که بر آن بودند بر گردانید؟ بگو: مشرق و مغرب مختص خداست؛ هر که را بخواهد به راهی راست هدایت می کند. «۱۴۲»
و بدین گونه شما را امتی معتدل قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و این پیامبر [نیز] بر شما گواه باشد. و ما قبله ای را که بر آن بودی قرار ندادیم مگر برای این که کسی را که از این پیامبر پیروی می کند، از کسی که عقبگرد می کند مشخص سازیم، و البته این [تغییر قبله] جز بر کسانی که خدا هدایتشان کرده است سخت دشوار بود. و خدا چنین نیست که ایمان شما را ضایع سازد. بی گمان، خدا به مردم رؤوف و مهربان است. «۱۴۳»
به یقین، ما گردش روی تو را در جانب آسمان می بینیم؛ پس حتماً تو را به سوی قبله ای که بدان خشنود شوی می

گردانیم . اینک روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان ؛ و هر جا که باشید ، روی خود را به سوی آن بگردانید .
و کسانی که به آنان کتاب داده شده ، حتماً می دانند که آن حق است و از جانب پروردگارشان است . و خدا از آنچه
می کنند هرگز غافل نیست . «۱۴۴»

و اگر برای کسانی که به آنان کتاب داده شده است هر آیتی (معجزه ای) بیاوری ، قطعاً از قبله تو پیروی نمی کنند
، و تو نیز پیرو قبله آنان نخواهی بود ، و بعضی از آنان نیز پیرو قبله بعضی دیگر نخواهند بود . و اگر پس از
علمی که برای تو حاصل شده است ، از هوس های شان پیروی کنی ، در آن صورت حتماً از ستمکاران خواهی بود
«۱۴۵» .

کسانی که به آنان کتاب داده ایم ، همان گونه که پسرانشان را می شناسند ، او (پیامبر) را نیز می شناسند ، و
گروهی از آنان با این که می دانند ، حق را کتمان می کنند . «۱۴۶»

حق از جانب پروردگار توست ، پس البته از شك کنندگان مباش . «۱۴۷»
و برای هر فرقه ای جهتی است که به آن روی می کند ؛ پس به سوی کارهای خیر سبقت جوئید . هر جا که باشید ،
خدا [روز قیامت] همه شما را می آورد . همانا خدا بر هر چیزی تواناست . «۱۴۸»

و از هر جا بیرون رفتی ، روی خود را [در نماز] به سوی مسجدالحرام بگردان ، و قطعاً این حق است و از جانب
پروردگار توست ، و خدا از آنچه می کنی هرگز غافل نیست . «۱۴۹»

و از هر جا بیرون رفتی ، روی خود را [در نماز] به سوی مسجد الحرام بگردان ؛ و هر جا باشید روی خود را به
سوی آن بگردانید ، تا برای مردم - جز کسانی از آنان که ستم کرده اند - بر ضد شما حجّتی نباشد ؛ پس از آنان
نترسید و از من بترسید ؛ و [قبله را تغییر دادم] تا نعمتم را بر شما تمام کنم و باشد که هدایت یابید . «۱۵۰»
[آری ، کعبه را قبله شما قرار دادیم تا نعمت خود را بر شما تمام کنیم ، [همان طور که] برای اتمام نعمت [در
میان شما پیامبری از خودتان فرستادیم که آیات ما را بر شما می خواند ، و شما را پاک می سازد ، و به شما کتاب و
حکمت می آموزد ، و آنچه را که نمی دانستید به شما تعلیم می دهد . «۱۵۱»

از تأمل در آیات فوق نکات آتی می تواند استنباط گردد :

۱ - تمام کسانی را که احتمال مقاومت از جانب آنها احساس می شد ، قرآن باروش همیشگی خویش « نادان، سبک
مغز ، بی خرد » مخاطب قرار داده ، قبل از آغاز مبارزه دست حریف را از پشت بست . و اما این که آن افراد چه
کسانی بودند ؟ از مهاجرین بودند و یا از انصار ؟ شامل مسلمانان بودند و یا کفار و مشرکین را احتواء می نمودند ؟
در قرآن پاسخی برایش نمی یابیم .

۲ - کاربرد «امت وسط» در متن آیت، که در این جا به وسیله آیت الله ناصر مکارم شیرازی یکی از فقها و مجتهدین
تراز اول در رژیم آخندی به «امتی معتدل» ترجمه گردیده ، نمایانگر آن است که در این تغییر ، سازش و مماشاتی
صورت پذیرفته است . در غیر آن ضرورت تذکر آن عبث می توانست ؛ باشد .

۳ - تغییر به مثابه امتحانی جدی برای تمام مسلمانان به شمار رفته ، امتناع از آن خروج از دایره اسلام را نیز به
دنبال داشت .

۴ - تأثرات دوری از زادگاه اولیه و تلاش به خاطر ایجاد یک زندگی جدید در مهاجرت و دوری از میهن - که برای
ما افغانها می تواند به خوبی محسوس باشد - نگرانی هائی را بین مهاجرین به ویژه شخص محمد به وجود آورده ،

که در آیت به وی وعده خوشنودی داده می شود . مگر بدون تأخیر بر، داشتن عزم راسخ تأکید نموده ، بعد از ایقان به درستی راه تبارز هر نوع تذبذب و دودلی را گناه به شمار می آورد .

۵ - این که برای هر قومی ، قبله ای جداگانه اختصاص داده شده است ، با آن که در ظاهر امر منظور تفکیک مسلمانان از یهودان است اما در نهایت، کلیت جهانی دیانت اسلام را زیر سؤال می برد - پرداختن به این بحث از حوزه موضوع مورد نظر ما بیرون است -

۶ - سرانجام در آیت ۱۵۰ ضمن تأکید بر رو آوردن به سمت « مسجد الحرام » و تشجیع مسلمانان در مقابل دشمن، به آنها یاد آور می گردد که با این هر نوع « حجتی » را از دست دشمنان خواهند گرفت . به علاوه تغییر قبله را اتمام نعمت های خویش اعلام می دارد .

ادامه دارد